



مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مکران شناسی

ISC

Islamic World Science Citation Center



AnyScanner

دیر علمی همایش: عبدالودود سپاهی
دیر همایش: عبدالله صفرزائی
دیر اجرایی همایش: حمید شمس الدین
عضو هیئت علمی دانشگاه ولایت: اسماعیل شیر علی
دیر داخلی: میثم دهقانی

مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مکران شناسی



سرشناسه	:	همایش ملی مکران‌شناسی (نخستین: ۱۳۹۹: ایرانشهر)
عنوان و نام پدیدآور	:	مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مکران‌شناسی / مولف عبدالله صفرزائی، عبدالودود سپاهی، حمید شمس‌الدین، اسماعیل شیرعلی و میثم دهقانی
مشخصات نشر	:	تهران: اندیشه احسان، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۶۸۷ ص.: مصور (رنگی)، جدول، نمودار، نقشه (رنگی).
شابک	:	978-622-5451-13-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	مکران -- کنگره‌ها Makran (Iran) -- Congresses سیستان و بلوچستان -- کنگره‌ها Sistan and Baluchestan (Iran: Province) -- Congresses
رده بندی کنگره	:	۲۱۴۱DSR
رده بندی دیویی	:	۷۳۵/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۱۱۰۱۰۳



مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مکران‌شناسی

مولفین: عبدالودود سپاهی، عبدالله صفرزائی، حمید شمس‌الدین، اسماعیل شیرعلی و میثم دهقانی

ناظر کیفی: مینا رسولی	طراحی: مهدیه کاکاوند
ویراستاری: یاسر ملازنی	ویراستاری صوری: سودابه بیات
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱ شمارگان: ۵۰۰	صفحه آرای: سودابه بیات
تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	قیمت: ۷۰۲۰۰۰ تومان

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳۹۹/۱۰/۷

آدرس دبیرخانه: سیستان و بلوچستان، ایرانشهر، دانشگاه ولایت، گروه تاریخ و مردم‌شناسی

تلفن: ۰۵۴۳۱۲۵۱۲۷۵

مسئولیت مطالب مندرج در هر یک از مقالات برعهده نویسندگان آن مقالات است.

استفاده از این اثر با رعایت قواعد ارجاع‌دهی علمی مجاز است.

باز نشر کامل یا قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت مجوز رسمی و مکتوب از ناشر دارد

دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۰۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com

تلفن: ۰۶۶۴۶۶۰۰۱ @andishehehsan andishehehsan

فهرست

- پیشگفتار ۱۱
- درآمدی بر تاریخ شفاهی بلوچستان ۱۵
 مهدی ابوالحسنی ترقی
- استفاده از زیستگاه‌های مصنوعی دریایی در توسعه و پایداری منطقه ساحلی مکران ۲۳
 دانیال اژدری
- بررسی نقش گردشگری روستائی و صنایع دستی بر توسعه پایدار مکران ۲۹
 ناهید اسماعیل زایی، عفت شیخ بهاء الدین زاده
- فرهنگ بلوچ‌های جنوب استان کرمان ۴۳
 محمد حسین افشار
- سیمای اجتماعی مکران در نگاه سفرنامه نویسان انگلیسی عصر قاجار ۵۹
 عباس اویسی
- بلوچستان در دایره‌المعارف نویسی ترکی (از عصر عثمانی تا عصر جمهوری ترکیه) ۷۵
 طاهر بابائی
- نقش سادات منطقه مکران در گسترش آموزه‌های دینی ۸۹
 عبدالواحد بامری، محمد مسیح هاشمی نیا
- تأثیر همزیستی و جو محیطی بر اختلافات فرهنگی و ترجیحات شخصی دانشجویان ساکن خوابگاه ولایت
 ایرانشهر: مطالعه موردی از دو قوم بلوچ دلگانی و مکرانی ۱۰۳
 فاطمه ثنا بامری، حمید رحمانی سنگانی
- بازشناسی و معرفی زیوآلات سنتی زنان بلوچ ۱۱۵
 محمد بایگان

- بررسی نقش صنایع دستی بومی - محلی در توسعه گردشگری روستایی - مطالعه: روستاهای شهرستان
ایران شهر ۱۳۷
محمد بایگان
- نگاهی گذرا بر زندگی استاد شیر محمد اسپندار - اسطوره فراموش شده سیستان و بلوچستان ۱۵۳
محمد بایگان
- ارتباط میان آلمانی‌ها و بلوچ‌ها در جنگ جهانی اول ۱۶۱
ناهد براهونی
- مروری بر ویژگی‌های مورفولوژیکی و رفتاری تمساح بلوچی (گاندو) تنها گونه کروکودیل ایران ۱۷۳
نورمحمد براهونی مقدم
- مطالعات تطبیقی نقوش سوزن دوزی بلوچستان با نقوش سفالینه‌های دوران نوسنگی ایران ۱۸۷
محمد برفر، شهریار شکرپور
- مضامین مشترک در داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه فردوسی و حماسه‌های بلوچستان ۲۰۷
رسول بخش بلوچ
- مناسبات اقتصادی مکران و سیستان از قرن سوم تا پایان قرن نهم هجری ۲۲۱
مرضیه بلوچی، عبدالله صفرزایی
- نظرات دانشجویان دختر بومی رشته زبان انگلیسی - دانشگاه ولایت ایران‌شهر در رابطه با بکارگیری مدل
تعامل گر ارزیابی پویا به عنوان یک روش تدریس ۲۳۷
حمید بهادر، مرضیه حاتمی مفرد
- خلع سلاح عشایر بلوچ در دوره پهلوی ۲۴۹
یونس پرورش رامکی، عبدالودود سپاهی
- جاده ابریشم نوین و نقش آن در توسعه سواحل مکران ۲۵۹
مریم پویا
- بلوچستان از ورای اسناد و مدارک شهدا ۲۷۳
مریم توسلی کوپایی
- جغرافیای تاریخی و اقتصادی مکران در تاریخ ۲۸۵
مرتضی تهامی
- ماسه بلوچیه (مطالعه موردی: رساله اسرارالغیوب) ۳۰۱
زهرا حاتمی

- اهمیت تبیین مؤلفه‌های هویتی در تاریخ‌نگاری محلی بلوچستان ۳۰۷
 ابوالفضل حسن آبادی
- عوامل مؤثر بر فرهنگ بلوچستان ۳۲۱
 حمید حیدری مکرر، اسلام قاضی، محمد قاضی
- آداب و رسوم و باورهای مردم بخش بم پشت ۳۳۳
 کاظم درازمی، وحیده بلوچزهی
- تحلیلی بر عوامل مؤثر در فراز و فرود سیطره غزنویان بر حاکم‌نشین مکران ۳۴۹
 رضا دریکوندی
- مرگ در آینه مثل بلوچی ۳۶۳
 مجیب الرحمن دهانی، اسحاق میربلوچزایی
- دلایل سیاسی مهاجرت‌های بلوچ‌ها به خارج از کشور در دوره پهلوی اول ۳۷۹
 میثم دهقانی، عبدالودود سپاهی
- تأثیر هویت و شخصیت شکل گرفته معلمان زبان انگلیسی در جغرافیا و فرهنگ ویژه منطقه مکران بر رشد حرفه‌ای آنها ۳۹۱
 حمید رحمانی سنگانی
- دست آوردی از تجربه زندگی به عنوان دانشجوی زبان انگلیسی در دانشگاه ولایت ۴۰۳
 حمید رحمانی سنگانی، محسن صباحی
- جذابیت تفاهم فرهنگی دختران بلوچ و غیر بلوچ: موردی از دانشجویان زبان انگلیسی ۴۱۱
 حمید رحمانی سنگانی و فهیمه عنابستانی
- گردشگری فرهنگی با تاکید بر آئین‌های همراه با موسیقی در استان سیستان و بلوچستان ۴۱۹
 بهمن رحیمی
- بررسی پوشش و نقش مایه، رنگ و سوزن دوزی پوشاک زنان بلوچ ۴۲۷
 الهه رضایی
- مطالعه و بررسی رنگ در سوزن دوزی بلوچی ۴۴۷
 فهیمه ریگی
- بررسی پوشاک مردان و زنان بلوچستان در عصر قاجار ۴۵۹
 عاطفه ریگی کارواندیری، سعیده میرزایی سوسفیدی

- زنان بلوچ، صنایع دستی و توسعه پایدار ۴۶۷
سمیه رنسی
- بررسی مردم‌شناختی آیین‌های گذار (تولد، ازدواج، مرگ): مطالعه موردی روستای مهبان ۴۷۷
سمیه رنسی، مهری نکه‌چی
- سیستم ارث بری با توجه به ملزومات جنسیتی و معیشتی مورد مطالعه: زنان بلوچ ایران ۴۸۹
سیمارنسی
- مکران در حماسه ملی ایران ۵۰۳
محمد اکبر سپاهی
- علل مهاجرت مردم بلوچستان به پاکستان در دوره پهلوی اول ۵۱۹
عبدالودود سپاهی، سمیرا امیرزهی
- آسیب‌شناسی کتاب مهاجمان سرحد ۵۳۱
عباس سرافرازی
- بررسی اسامی مختلف بلوچستان و ریشه‌یابی آنها ۵۴۳
اسما سندکزی
- علل مبارزات بلوچ‌ها با دولت استعمارگر انگلیس در اوایل قرن بیستم میلادی ۵۵۱
دوست‌علی سنجولی
- نگاهی به اوضاع اقتصادی و منابع مالی منطقه مکران از باستان تا دوره اسلامی ۵۶۵
راضیه شجاع قلعه دختر
- اهمیت ساخت، توسعه و نگهداری راه‌های چابهار-زاهدان به عنوان بخشی از کریدور شمال-جنوب به منظور توسعه پایدار سواحل مکران ۵۸۵
فرشید شیبانی مقدم، جعفر رهنمازاد
- استراتژی‌های توسعه حوزه مکران ۵۹۳
اسماعیل شیرعلی
- نقش مشارکت‌های قومی در توسعه بومی سواحل مکران (با تأکید بر سیستان و بلوچستان) ۶۰۵
اسماعیل شیرعلی
- پهنه‌بندی آینده‌های آب زیرزمینی در منطقه مکران با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) ۶۱۷
اسماعیل شیرعلی، مجید احتشامی

- جغرافیای تاریخی مکران و موقعیت‌های گردشگری ۶۳۱
سیده سمانه صابری
- بازیابی اوضاع مکران در تاریخ سیستان ۶۴۵
عبداله صفرزانی، مرضیه بلوچی
- ارزش‌های بصری نقش و رنگ در رودوزی‌های سیستان و بلوچستان در دوران معاصر ۶۵۷
حسن طالبی، معصومه طالبی
- اسکندر در مکران و پیامدهای آن ۶۷۳
نعمت‌الله علی محمدی
- پیشینه هویت و تمدن در مکران با تکیه بر اسناد تاریخی ۶۹۳
نصرت خاتون علوی، عبدالقیوم نعمتی‌نیا
- مواضع بریتانیا و قاجاق اسلحه در مکران قرن ۱۹ ۷۰۷
زهرا علیزاده بیرجندی، اکرم ناصری
- بررسی تأثیرات فرهنگی قوم بلوچ و غیربلوچ بر یکدیگر طی زندگی دانشجویی از دیدگاه دانشجویان دختر رشته زبان انگلیسی ایرانشهر ۷۲۳
لیلا فیروزی، حمید رحمانی سنگانی
- تلاش انسان‌شناختی برای فهم جامعه بلوچستان ۷۳۳
عبداللطیف کاروانی
- موقعیت جغرافیایی و اوضاع اقتصادی، سیاسی مکران در دوران باستان تا روزگار سلطه تازیان ۷۴۷
حمید کاویانی پویا، طیه خواجه
- نخستین موالی مکرانی و سرانجام آنان ۷۶۳
میترا کلکلی، عبدالله صفرزانی
- نقش مکران در روابط تجاری ایران و هند در عصر باستان ۷۷۵
حسین محمدی
- نگاهی به رابطه تاریخی کرمان و مکران بر اساس کتاب «سابقه تاریخی بلوچستان»، نوشته عبدالله روائید ۷۹۱
- موسی محمودزهی
- آحاد، اوزان و مقادیر در فرهنگ واژگان مردم بلوچستان ۸۰۳
موسی محمودزهی، فریدون درازهی، عبدالماجد سپاهیان

ملاحظات پیرامون نام «مکران» بر اساس منابع مکتوب

۸۲۱ موسی محمودزهی

سمیرا نرماشیری

۸۳۳ بررسی نقش امنیت در توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهرستان چابهار)

عبدالباسط مرادزاده، ابوبکر ریسی، منیره آتون

۸۵۱ شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای کارآفرینی گردشگری در منطقه آزاد چابهار

عبدالباسط مرادزاده، ابوبکر ریسی، منیره آتون

۸۷۳ مکران، تلاقی رقابت‌آمیز قدرت‌ها در قرن بیست و یکم

پیر محمد ملازهی

۸۹۷ توسعه تجارت در سواحل مکران

امید ملازنی

۹۰۵ واکاوی روند فتوحات عرب‌های مسلمان در مکران (مطالعه موردی: قرن اول هجری قمری)

یاسر ملازنی

نقش والدین بلوچ در یادگیری زبان انگلیسی: مطالعه موردی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در شهرستان

سرباز - ایران ۹۱۹

بهزاد ملک‌رنیسی، حمید رحمانی سنگانی

۹۳۵ درآمدی بر طب بومی در فرهنگ عامه‌ی مردم میرجاوه

اسحاق میربلوچ‌زایی، بلال ریگی

۹۴۹ تحلیل تاریخی سفر شخصیت قهرمان بلوچ میرچاکر رند طبق نظریه اسطوره یگانه جوزف کمپل

اسحاق میربلوچ‌زهی، حلیمه میرکازه‌ی نژاد، محمد مسیح‌هاشمی نیا

۹۶۵ بررسی دستبافته‌های حصیری منطقه سراوان

سمیه میرنژاد، ابوالقاسم نعمت‌شهربابکی، مرضیه رضایی

۹۷۹ نگاهی به ارتباط متن‌ها در ترجمه: بررسی موردی کتاب تاریخی مهاجمان سرحد

امیر ارسلان یاراحمدزهی

پیشگفتار

سرنامه نام پروردگار

نگارنده چرخ گوهرنگار

(مولوی روانبد؛ شاعر بلوچ)

بلوچستان سرزمین وسیعی است که امروزه در سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان قرار دارد. در طول تاریخ ساکنان این سرزمین یعنی؛ بلوچ ها هویتی ایرانی داشته و بیشترین اشتراکات را با سرزمین مادری- ایران- داشته اند. همانند سایر مناطق ایران، قسمت های مختلف بلوچستان در طول تاریخ جای نام های مختلفی داشته است. یکی از جای نام های مهم و وسیع بلوچستان به خصوص در سده های نخست و میانه اسلامی، مکران نام داشت. مکران از غرب تا بندر جاسک در استان هرمزگان کنونی و از شرق تا نزدیکی بندر کراچی در کشور پاکستان امتداد داشته و از شمال تا بخش هایی از بلوچستان مرکزی ایران و پاکستان امروزی را در بر می گرفت. طول سواحل این منطقه حدود ۱۵۰۰ کیلومتر است.

مکران در طول تاریخ ظرفیت ها و توانمندی های بالقوه جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی شایانی داشته است. سواحل مکران علاوه بر زیبایی ها و جاذبه های گردشگری بسیار، از نظر جغرافیایی و موقعیت استراتژیکی نیز منحصر به فرد است. مجاورت با مرزهای شبه قاره هند و دریای عمان از جنبه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره این منطقه را بیش از پیش ارزشمند کرده، به طوری که از سده ۱۵ میلادی اهمیت و جایگاه مکران همواره مورد توجه کشورهای استعماری جهان قرار داشته است. موقعیت جغرافیایی این سرزمین امروزه موجب اثرگذاری کشور ایران در معادلات سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و جهان شده، قابلیت خلق موقعیت های ارزشمندی برای رشد و توسعه دارد.

علاوه بر این ها، مکران از جهات انسانی نیز دارای اهمیت فراوان است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ و فرهنگ ساکنان این سرزمین میراث ارزشمندی از گذشته ایران با خود دارد، اما توجه شایسته- ای تاکنون به آن نشده، به گونه ای که پژوهش های انجام شده درباره این سرزمین در مقایسه با اهمیت و

وسعت آن، محدود و انگشت‌شمار است. فاصله جغرافیایی زیاد با مرکز، مشارکت اندک بلوچ‌ها در ساختار سیاسی و اداری کشور و اجرای با تأخیر برنامه‌های توسعه در مقایسه با سایر نواحی کشور، موجب شده پژوهش‌های اندکی درباره این سرزمین و ساکنانش انجام گرفته باشد.

با وجود پتانسیل‌های بسیار گسترده سواحل جنوب شرق کشور، در طی دهه‌های اخیر به دلیل تمرکز بیشتر بر بنادر و سواحل خلیج فارس، از قابلیت‌های این سواحل استفاده مطلوب نشده است. این در حالی است که توسعه آینده کشور به ویژه در نیمه شرقی تا حد زیادی منوط به شناخت بهینه از کارکردهای ظرفیت‌های این منطقه است. ایران به دلیل برخورداری از منابع فراوان انرژی، نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد، سواحل مناسب برای تأسیس بندر و تأسیسات نفتی و غیره دارای جایگاه انحصاری در تأمین انرژی و انتقال کالا برای کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است. در این ارتباط سواحل جنوب شرق ایران یعنی سواحل مکران از اهمیت بیشتری نسبت به سایر مناطق ایران برخوردار است. وجود برخی سواحل صخره‌ای، نوع، شکل و ویژگی‌های سواحل مکران به نحوی است که برای ایجاد بنادر ساحلی مناسب است.

امید است با پژوهش‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، تاریخ و هویت فرهنگی این منطقه بهتر مورد شناسایی قرار گیرد. این شناسایی می‌تواند باعث جلب توجه بیشتر سرمایه‌گذاران و گردشگران داخلی و خارجی شده، موجبات توسعه این منطقه را فراهم نماید. در صورتی که این امر با مشارکت محققان بومی منطقه همراه باشد، پژوهش‌های انجام شده واقع‌گرایانه و کاربردی‌تر خواهد بود. این مسئله تاکنون مغفول مانده است. برگزاری همایش‌های بلوچستان‌شناسی و مکران‌شناسی علاوه بر آشکار ساختن ظرفیت‌های منطقه‌ای و داخلی، می‌تواند مقدمه‌ای برای مطالعات روابط تاریخی کشورهای همسایه از جمله عمان، هند و سایر کشورهای منطقه باشد که در طول تاریخ با سواحل مکران در ارتباط بوده‌اند. این بستر می‌تواند در آینده منجر به همکاری با دانشگاه‌های این کشورها در راستای مطالعات و پژوهش‌های مشترک منطقه‌ای باشد. با در نظر داشتن چنین موقعیت‌های موجود و مطلوبی برای پژوهش‌های بلوچستان‌شناسی و مکران‌شناسی و نظر به آغاز طرح توسعه سواحل مکران به عنوان کلان طرح توسعه منطقه‌ای، گروه تاریخ و مردم‌شناسی در دانشگاه ولایت ایرانشهر اقدام به برگزاری «اولین همایش ملی مکران‌شناسی» کرد.

اولین همایش ملی مکران‌شناسی هفتم دی ماه ۱۳۹۹ برگزار گردید. دبیرخانه اولین همایش ملی مکران‌شناسی در مجموع حدود ۱۱۰ مقاله دریافت کرد. از مجموعه مقالات دریافتی، ۸۰ مقاله پس از داوری مورد پذیرش قرار گرفت و ۷۲ مقاله واجد شرایط چاپ در مجموعه مقالات بودند که این مقالات در قالب برگزاری این همایش با همراهی و مساعدت همکاران گروه تاریخ و مردم‌شناسی دانشگاه ولایت میر

گردید. تلاش‌های دکتر عبدالله صفرزایی دبیر همایش، آقای حمید شمس‌الدین دبیر اجرایی و سایر همکاران

در گروه تاریخ و مردم‌شناسی دکتر اسماعیل شیرعلی، دکتر امان الله تمندهری، دکتر نصرت خاتون علوی، دکتر مریم پویا، خانم سمیه رئیسی و آقای رضا واثق عباسی جای بسی تقدیر و تشکر دارد. از سایر سرورانی که در برگزاری این همایش مشارکت داشتند، به خصوص دانشجوی ساعی جناب آقای میثم دهقانی دبیر داخلی همایش و همچنین نویسندگان محترم که با ارسال مقالات بر غنای این مجموعه نفیس افزودند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌شود. در پایان، از بذل توجه رؤسای (وقت) دانشگاه جناب آقای دکتر حامد نجفی آشتیانی و جناب آقای دکتر محمد قاسمی که از هیچ کوششی در طول برگزاری موفقیت‌آمیز همایش فروگذار نکردند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

عبدالودود سپاهی

دبیر علمی نخستین همایش ملی مکران‌شناسی

اعضای کمیته علمی همایش

دکتر محمدباقر وثوقی استاد دانشگاه تهران
 دکتر منصور صفت گل استاد دانشگاه تهران
 دکتر محمدتقی ایمان‌پور استاد دانشگاه فردوسی مشهد
 دکتر عبدالرسول خیراندیش استاد دانشگاه شیراز
 دکتر حسین مفتخری استاد دانشگاه خوارزمی
 دکتر شهرام یوسفی فر استاد دانشگاه تهران
 دکتر فرج اله احمدی دانشیار دانشگاه تهران
 دکتر فاطمه جان احمدی دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر هادی وکیلی دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
 دکتر عباس سرافرازی دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
 دکتر علی ناظمیان فرد دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
 دکتر سید ابوالفضل رضوی دانشیار دانشگاه خوارزمی
 دکتر سهراب یزدانی مقدم دانشیار دانشگاه خوارزمی
 دکتر علیرضا ملایی توانی دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 دکتر محمدعثمان حسین بر دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

- دکتر مسعود مرادی دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
دکتر کوروش صالحی دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
دکتر سیامک زند رضوی دانشیار دانشگاه شهیدباهنر کرمان
دکتر محمد طیبی دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان
دکتر مجید احتشامی دانشیار دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی
دکتر موسی محمودزهی دانشیار دانشگاه ولایت
دکتر اسماعیل نرماشیری دانشیار دانشگاه ولایت
دکتر عظیم شه بخش استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
دکتر عبدالغفور جهان‌دیده استادیار دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار
دکتر زهیر صیامیان گرجی استادیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر رضا صحت منش استادیار دانشگاه جیرفت
حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالواحد بامری استادیار دانشگاه ولایت
دکتر محمد اکبر سپاهی استادیار دانشگاه ولایت
دکتر عبدالودود سپاهی استادیار دانشگاه ولایت
دکتر اسماعیل شیرعلی استادیار دانشگاه ولایت
دکتر عبدالله صفرزانی استادیار دانشگاه ولایت
دکتر امان الله تمنده رو استادیار دانشگاه ولایت
دکتر مریم پویا استادیار دانشگاه ولایت
دکتر نصرت خاتون علوی استادیار دانشگاه ولایت

بلوچستان در دایره‌المعارف نویسی ترکی (از عصر عثمانی تا عصر جمهوری ترکیه)

طاهر بابانی^۱

چکیده

بلوچستان، از دوره عثمانی (۱۲۲۹-۱۹۲۲م) تاکنون با مدخل‌گذاری «بلوچستان» در دایره‌المعارف‌های ترکی مورد توجه قرار گرفته و با تفصیل یا اختصار بدان پرداخته شده است. در این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای به روش توصیفی و تحلیلی متناسب با بنیادی بودن نوع پژوهش، به مقایسه داده‌های مطروحه در قاموس الاعلام سامی به عنوان دایره‌المعارف عصر عثمانی و دایره‌المعارف اسلام چاپ ترکیه (دیا) به عنوان دایره‌المعارف عصر جمهوری ترکیه پرداخته شده و مشخص شده است که با وجود یکی بودن موضوع، اطلاعات مدخل‌ها در این دو دوره با تفاوت‌های بنیادین همراه بوده است؛ چندان که اطلاعات مقاله، کمتر در مقاله دیگر مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بلوچستان، جغرافیای تاریخی، دایره‌المعارف نویسی ترکی، قاموس الاعلام سامی، دایره‌المعارف اسلام بنیاد دیانت ترکیه.

مقدمه

حکومت عثمانی به عنوان یکی از بزرگترین حکومت‌های جهان اسلام از قرن هشتم هجری تا قرن چهاردهم هجری به مدت شش سده بر بخش بزرگی از جهان در آسیا، آفریقا و اروپا حکم راند و در زمینه‌های مختلف در میان حکومت‌ها مسلمان پیشرو بود. در زمینه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی عثمانی، گنجینه بزرگی از آثار کتابی و اسناد تاریخی به دست رسیده است که در زمینه‌های مختلف و به اشکال

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

Taherbabaci@um.ac.ir

مختلف نگاشته شده‌اند. یکی از اشکال نگارش کتب تاریخی، نگارش دایره‌المعارف‌ها است که در قلمرو عثمانیان رونق بسیار یافته بود و در اواخر دوره عثمانی، شکلی نظام‌مند به خود گرفته بود. یکی از نخستین آثار دایره‌المعارف که در قلمرو عثمانی تولید شد، قاموس العلوم والمعارف بود که در سال ۱۸۷۰م از سوی علی سعاری نوشته و در پاریس به چاپ رسید (Levend, 1973: 463-465). به جز این اثر، در این دوره، دایره‌المعارف‌های مختلفی نگاشته شد که از آن میان می‌توان به قاموس الاعلام از شمس‌الدین سامی، لغات تاریخیه و جغرافیه از احمد رفعت، سبج‌ عثمانی از محمد ثریا و ممالک عثمانیه‌نک تاریخ و جغرافیه لغات از علی جواد اشاره کرد که دو مورد نخست، دایره‌المعارف عمومی و دو مورد دیگر معجم شخصیت‌ها و فرهنگ اصطلاحات تاریخی و اماکن جغرافیایی عثمانی بودند.

قاموس الاعلام از دایره‌المعارف‌هایی است که به عنوان یکی از منابع اصلی این پژوهش مدنظر قرار گرفته است. این اثر به دست شمس‌الدین سامی، مؤلف و روزنامه‌نگار عثمانی اهل از ارناووط (آلبانی) طی یازده سال (۱۳۰۶-۱۳۱۶ق) در شش جلد به ترکی عثمانی نوشته شده است. قاموس الاعلام آنچنان شهرت و اهمیت یافت که پیش از نگارش «دایره‌المعارف اسلام لیدن» (EI) در مقام دانشنامه جهان اسلام قرار داشت (Şeşen, 1998: 336-337). سامی، به سبب نگارش این اثر در میان مؤلفان جهان اسلام به «صاحب قاموس الاعلام» شهره شده است (Levend, 1969: 85). او به عنوان یکی از بزرگ‌ترین زبان‌شناسان عثمانی که به زبان‌های رومی، فرانسوی، ایتالیایی، عربی و فارسی تسلط داشت و آثار بسیاری را نگاشته است. از سوی سلطان عثمانی، نشان سلطنتی «مجیدی» و نشان درجه یکی عثمانی را دریافت کرد (Şeşen, 1998: 336; Lavend, 1969: 42, 45). قاموس الاعلام از جمله دایره‌المعارف‌های عثمانی است که در آن به بلوچستان توجه شده و به عنوان منبع این پژوهش برگزیده شده است. دیگری که در آن به بلوچستان توجه شده و اطلاعاتی از آن در این پژوهش گنجانده شده، دایره‌المعارف دیگری از عثمانیان به نام کتاب لغات تاریخیه و جغرافیه نوشته یاغلی‌چی زاده احمد رفعت‌قندی (د. ۱۳۱۲ق) است که از کارمندان دیوانی اواخر دوره عثمانی بود. او اثر خود را به ترکی در هفت جلد نگاشت که مشتمل بر اعلام تاریخی و جغرافیایی بوده و در زمان خود از پرارج‌ترین آثار شمرده می‌شده است (Babinger, 1992: 408).

به مرور زمان، سنت دایره‌المعارف‌نویسی در ترکیه با نگارش دانشنامه‌های تخصصی، رونق فزاینده‌ای یافت و دانشنامه‌هایی نظیر دانشنامه ترک^۱ با اختصار TA و دانشنامه اسلام^۲ ترکی (ترجمه و افزوده از EI) با اختصار İA نوشته شد. در میان دایره‌المعارف‌های متعددی که در ترکیه به نگارش آنها اقدام شد که برخی به نتیجه رسید و برخی ناتمام ماندند، دایره‌المعارف مرکز ایسام İSAM جایگاه برتری را به خود اختصاص داده است، چندان که پژوهشگران را در زمینه مطالعات ترکی، از دایره‌المعارف‌های دیگر بی‌نیاز می‌کند. این دایره‌المعارف، دایره‌المعارف اسلام بنیاد دیانت ترکیه^۳ نام دارد که در ایران با اختصار TDVIA و در میان

1. Türk Ansiklopedisi.

2. İslam Ansiklopedisi.

3. Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi.

ترکان به شکل دیا (DIA) شهره شده است. این دایره المعارف، در سال ۱۹۸۳ م با هزینه اوقاف و بالهام از دایره المعارف اسلام (چاپ لیدن) که به شکل تخصصی به موضوعات مربوط به جهان اسلام معطوف است، آغاز شد. نخستین مجلد این دایره المعارف در سال ۱۹۸۸ م به چاپ رسید. برای تألیف این دایره المعارف ۱۵۲۲۶ مدخل پیش بینی شده بود که بعلاوه زیر مجموعه های مداخل، به ۱۶۸۵۵ مقاله افزایش یافته این دایره المعارف در ۴۴ مجلد به چاپ رسیده و مداخلهای آن با مقاله Ab-1 hayat آغاز و با Zwerner به پایان می رسد. (رودگر، ۱۳۹۱، ج ۱۷، صص ۲۲۰-۲۲۱؛ www.islamansiklopedisi.info).

شمس الدین سامی، بلوچستان را با مدخل «بلوچستان» در اثرش گنجانده که شکل رایج این اسم در میان ترکان است و می توان آن را در کنار تأثیرپذیری از عربی مورد توجه قرار داد. این عنوان در ترکی کنونی نیز به شکل «بلوچستان» آورده شده است. نیز احمد رفعت افندی نیز بلوچستان را به همان شکل «بلوچستان» مدخل گذاری شده است. در دایره المعارف اسلام چاپ ترکیه (دیا)، بلوچستان به سیاق تلفظ ترکان، «بلوچستان»^۱ مدخل گذاری شده و با معرّف «یکی از چهار ایالت پاکستان و ناحیه ای در ایران» آورده است. آنچه بیش از هر چیز بر بخش پاکستانی تأکید دارد که در این موضوع، پاکستانی بودن نگارنده مقاله م. نعیم قرشی^۲ پرتأثیر بوده است. با توجه به بنیادی موضوع این پژوهش در مطالعات تاریخی و جغرافیایی و نیز توصیفی - تحلیلی بودن نوع پژوهش حاضر، پس از گردآوری داده ها و اطلاعات موجود در دایره المعارف های مشخص شده، با تکیه بر شیوه مطالعه کتابخانه ای تلاش خواهد شد تا با بررسی مدخل بلوچستان در دایره المعارفی مربوط به دوره عثمانیان به نام قاموس الاعلام (و تکمیل اطلاعات با کتاب لغات تاریخیه و جغرافیه) و مقایسه اطلاعات آن با مقاله دایره المعارف اسلام چاپ بنیاد دیانت ترکیه، به نگرش ترکان به بلوچستان و میزان و چگونگی اطلاعات گنجانده شده در دایره المعارف های ترکی پرداخته شود. گفتمانی است تا کنون پژوهشی با این موضوع انجام نشده و این پژوهش از حیث داشتن پیشینه تحقیق، دست تهی است.

۱. موقعیت جغرافیایی

شمس الدین سامی در آغاز مقاله با بیان این که بلوچستان، مملکتی بزرگ در جنوب قاره آسیا و در میان ایران و هند واقع است، وارد بحث شده است. او در بیان موقعیت جغرافیایی و حدود بلوچستان، آورده است که مملکت بلوچستان در شمال بحر عمان واقع است. ساحل جنوبی آن با طول ۹۰۰ کیلومتر از دماغه «مواری»^۳ در سوی غربی مصب نهر سند تا دماغه گواتر در غرب مصب نهر «دشتی»^۴ امتداد دارد. این

۱. Belucistan

۲. M. Naeem Qureshi.

۳. این نام در منابع یافت نشد.

۴. نام این رود در بلوچستان یافت نشد. احتمالاً همان رود فصلی «دشت» است.

منطقه از سوی شرق به هندوستان (هندستان)، از شمال به ایالت قندهار افغانستان، از غرب به سیستان و کرمان ایران محدود می‌شود (سامی، ۱۳۰۶ق: ۱۲/ ۱۳۵۰). سامی با بیان اینکه بلوچستان در عرض شمالی بین ۲۵ درجه تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه و طول شرقی ۵۵ درجه تا ۶۷ درجه استقرار دارد (همان)، افزوده است که عرض جغرافیایی بلوچستان از جنوب به شمال، بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتر است (همان).

در دایره‌المعارف دیده مطالب با مساحت و موضع بلوچستان آغاز شده و این مساحت ۳۷۴۱۹۰ کیلومتر مربع در غرب پاکستان و در عرض جغرافیایی تقریبی ۲۴-۳۲ درجه شمالی و طول شرقی ۶۰-۷۰ درجه عنوان شده است. در خصوص موقعیت بلوچستان پاکستان نیز محدود شده از غرب با ایران، از شمال و شمال غربی با افغانستان، از شمال شرقی با مرز ایالت شمال غربی، از شرق با ایالت‌های پنجاب و سند و از جنوب با خط ساحلی ۱۰۶۲ کیلومتری دریای عمان بیان شده است (Qureshi, 1992, vol 5, p 427). در خصوص بلوچستان ایران نیز از تراکم پایین جمعیت سخن رفته و به زندگی عشایری مردم آنجا با اکثریت بلوچ‌ها و براهوی‌ها و مقنومت آنان در مقابل زندگی یکجانشینی اشاره شده است (Ibid, p 428). در خصوص وضع اقتصادی بلوچستان ایران آورده شده است که با وجود داشتن بندرهای فعال چابهار، گوواتر و طیس، یکی از عقب مانده‌ترین مناطق ایران شمرده می‌شود (Ibid). موقعیت بلوچستان ایران در مقاله دیبا با استقرار آن در جنوب شرقی ایران آغاز و با گزارش محدوده آن که از شمال با سیستان و بیابان لوت، از شرق با بلوچستان پاکستان، از جنوب با دریای عمان و از غرب با کرمان محدود شده، تکمیل شده است (Ibid).

۲. وضع طبیعی و نامواری‌ها

سامی در توصیف وضع طبیعی بلوچستان، از تقسیم‌بندی کلی به دو کوهستانی و دشت سخن به میان آورده است. در تقسیم‌بندی او، قسم اعظم بلوچستان کوهستانی و مرتفع و تنها در سوی غربی دارای سواحل صاف و هموار است. بخش کوهستانی آن، از جمله کوه‌های رشته‌کوه‌های آسیای میانه شمرده می‌شود و بزرگترین آنها در حدود هندوستان، رشته‌کوه «هاله»^۱ است که از شمال به جنوب کشیده شده است (سامی، ۱۳۰۶ق: ۱۲/ ۱۳۵۰). سامی افزوده است که این رشته‌کوه به رشته‌کوه‌های افغانستان ارتباط دارد که به سوی غرب یعنی داخل بلوچستان کشیده شده است. در داخل بلوچستان نیز در مواضع متعددی کوه‌هایی به چشم می‌خورد که مرتفع‌ترین آنها حدود دوهزار متر ارتفاع دارد (همان: ۱۳۵۱). سامی در خصوص کوه‌های نزدیک به ایران نیز مطالبی آورده و با اشاره به کاهش ارتفاع کوه‌ها در این مناطق، به اتصال آن به صحرای کرمان و پس بیابان بزرگ پرداخته و این بیابان را به سبب عاری بودن از آب‌های روان، از آبادانی به دور خوانده است. نیز بخش جنوبی این منطقه، بیابانی شن‌زار خوانده شده است (همان). در مقاله دیبا نیز

۱. چین رشته‌کوهی در بلوچستان یافت شد.

در بیان ناهمواری‌ها و پدیده‌های طبیعی بلوچستان، تقسیم‌بندی مشابهی به چشم می‌خورد. در این مقاله علاوه بر تقسیم‌بندی این سرزمین به کوهستان و دشت، آورده شده است که در بلوچستان علاوه بر کوه‌های مرتفع و مناطق وسیع خشک و خالی از سکنه، دره‌های حاصلخیزی نیز به چشم می‌خورد (Qureshi, 1992, vol 5, p 427)، اما بیشتر این ولایت، خشک و بایر و با ارتفاع ۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متر بالاتر از سطح دریا است. این ارتفاع در رشته‌کوه‌های براهوی^۱ و راسکوه^۲ مناطق مرکزی و به خصوص در کوه سلیمان به ۳۰۰۰ متر افزایش می‌یابد (Ibid). در این توصیف وجه اصلی تمایز، توصیف حجیم‌تر سامی نسبت به مقاله دیا، خودنمایی می‌کند، اما ارائه آمار و ارقام مربوط به ارتفاع، از جمله برتری مقاله دیا بر داده‌های قاموس الاعلام است. نکته جالب توجه این است، با بررسی دو توصیف مشخص می‌شود که این دو بیان در توصیف کوه‌ها، تقریباً هیچ داده مشترکی را ارائه نمی‌کنند و گویی از دو منطقه مجزا سخن به میان آورده‌اند.

نکته قابل اعتنا، گنجانده شدن اطلاعاتی در خصوص گل‌افشان‌هایی^۳ بلوچستان در قاموس الاعلام است که از اشتهار این پدیده‌ها در آن دوره، حکایت دارد (سامی، ۱۳۰۶ق: ۲/ ۱۳۵۰)؛ این در حالی است که با وجود ویژه بودن این پدیده، در مقاله دیا، هیچ سخنی از گل‌افشان‌ها به میان نیامده است.

پرداختن به منابع آبی منطقه در اثر سامی با این بیان که بلوچستان هیچ رود بزرگی ندارد، آغاز می‌شود. در ادامه توصیف منابع آبی، به نهرها و چشمه‌های جاری از کوه‌های بلند، در بخش شمالی و میانی اشاره شده که دریاچه‌ها و باتلاق‌هایی را ایجاد کرده است. نیز به دو نهر در سوی شمال شرقی اشاره شده که وارد حدود هند شده و به رود سند می‌ریزند. در سوی جنوبی نیز به وجود چندین نهر پرداخته شده که به دریای عمان می‌ریزند (همان: ۱۳۵۱). سامی در خصوص دائمی نبودن این رودها در پایان افزوده است که این رودها در فصول خشک، ناپدید شده و در موسم بارندگی به شکل سیلاب‌های شدید جاری می‌شوند (همان). سامی بزرگترین رود بلوچستان، رود «دشتی» خوانده است که از شمال شرقی به جنوب غربی در جریان بوده و در مرزهای ایران به دریا می‌ریزد. او پس از رود دشتی، دومین رود بزرگ بلوچستان را رود «هاب» یا «آب» برشمرده که در سوی جنوبی مرز هند را جدا می‌کند. سامی به جز این دو رود به شکل گذرا به نام رودهایی نظیر ویندور، آکور، کوراد و کواری اشاره کرده است که در منابع کمتر اثری از آنها به چشم می‌خورد (همان).

در مقاله دیا، در خصوص منابع آبی بلوچستان پاکستان به هیچ رود مشخصی اشاره نشده است و تنها به این مطلب که در بلوچستان باران منظم و رگباری سالانه بین ۲۰۷۶ میلی متر تا ۳۴۵ میلی متر متغیر است و پس از باران‌های شدید تقریباً در هیچ یک از رودها آب قابل ملاحظه‌ای یافت نمی‌شود، بسنده شده است

1. Berahuy.

2. Raskuh.

۳. «چامور پوسکور تیر».

(Qureshi, 1992, vol 5, p 427). این در حالی است که علاوه بر اینکه توصیف سامی غنای بیشتری دارد، جزئیات و اسامی رودها را نیز بازتاب داده شده است. بدر بخش مربوط به بلوچستان ایران، در مقاله دیاکه بخش مجزایی بدان اختصاص یافته، علی‌رغم کم‌بارش بودن این منطقه، از رودهای سیراب کننده اراضی نظیر باهوکلالت، بمپور، بم‌پشت و ماشکیدکه به این دریا می‌ریزند، سخن رفته است (Ibid, p 428). نیز به وجود سدهای بمپور و ایرانشهر و نیروگاه‌هایی ساخته شده به عنوان منابع تولید انرژی اشاره شده که هدف گذاری اقتصادی آن متناسب با تامین نیازهای روزانه مردم بوده است (Ibid). بر اساس مطالب پیش گفته این احتمال مطرح می‌شود که در اواخر دوره عثمانی، رودهایی در بلوچستان وجود داشته که امروزه کمتر اثری از آنها به جا مانده است.

۳. اقلیم و اقتصاد

سامی همان طور که از وجود رودهای مختلف در بلوچستان سخن رانده، آب و هوای بلوچستان را به سبب ارتفاع اراضی آن متنوع خوانده است. نکته قابل توجه در قاموس الاعلام، گزارش وجود برف در برخی از قله‌های کوه‌های مناطق مرتفع و زمستان‌های بسیار سرد در بلوچستان است. در گزارش سامی، آب و هوای بلوچستان در مناطق هموار و باز به خصوص سوی غربی و جنوب بسیار گرم و در مناطق میانی و در بخش‌های مرتفع هوا نسبتاً معتدل آورده شده است (سامی، ۱۳۰۶ ق: ۱۳۵۱/۲). در مقاله دیا، در توصیف اقلیم بلوچستان از تقسیم‌بندی آن به سه ناحیه متفاوت سخن رفته و آورده شده که در نواحی ساحلی، معتدل، در بخش‌های میانی، بیابان و خشک و گرم، در مناطق کوهستانی آب و هوای سرد حاکم است و دمای هوا این منطقه از سببی (سبی) ^۱ با ۵۰ درجه سانتیگراد تا کان مهترزنی / خان مهترزی ^۲ با ۱۰ درجه سانتیگراد متغیر است (Qureshi, 1992, vol 5, p 427).

معیشت مردمان بلوچستان یکی از موضوعاتی است که در اثر سامی بدان اشاراتی شده است. در این اثر، از ماهی‌های متنوع به عنوان مواد غذایی و در صدر اعاشه مردم سواحل سخن رفته و آورده شده است که جغرافیدانان یونانی به همین سبب مردمان سواحل بلوچستان را «ایخنبوفاج» یعنی «آکل السمک» نامیده‌اند (سامی، ۱۳۰۶ ق: ۱۳۵۱/۲). سامی در توصیف معیشت مردمان بلوچستان به شکل خلاصه آورده است که در صدر مواد غذایی کوهستان‌نشینان، گوشت و شیر، در صدر مواد غذایی دشت‌نشینان، برنج و خرما و در صدر مواد غذایی مردمان مناطق ساحلی، ماهی قرار دارد (همان).

کشاورزی نیز در گذران زندگی روزانه مردمان بلوچستان، جایگاهی داشته است. سامی سخن در خصوص محصولات کشاورزی و باغی را با اشاره به وضع پوشش گیاهی آغاز کرده است. او آورده است که

1. Sibi.

2. han mehtarzi/ Kan Mehtarzai.

مناطق غربی و جنوبی بلوچستان به شکل بیابان و به سبب ارتفاع و سنگلاخی بودن از محصولات کشاورزی، خالی است و اراضی دارای پوشش گیاهی بسیاری اندکی وجود دارد که محدود به نواحی شرقی و نزدیک به هندوستان است. در اثر سامی، محصولات بلوچستان در نواحی مرتفع، گندم، جو و ارزن و در نواحی هموار، برنج، ذرت، زعفران، پنبه و توتون ضبط شده است. در میان صیفی جات نیز، خربزه های بلوچستان با صفت «به غایت لذیذ و فوق العاده بزرگ» برجسته شده است. در میان میوه ها نیز به خرما ی لذیذ پرورش یافته در دشت ها، اشاره شده و از وجود درختان زیتون وحشی و توت سخن رفته است (همان). وجود چوب های مرغوب برای ساخت و ساز در جنگل های کوه های شرقی بلوچستان دیگر داده ای است که از وجود جنگل و نیز تجارت چوب حکایت دارد (همان).

زندگی جانوری در بلوچستان دیگر موضوعی است که در قاموس الاعلام مورد توجه قرار گرفته است. سامی از میان حیوانات اهلی به شتر، اسب، گوسفند و بز در مناطق کوهستانی و وجود شتران سیاه رنگ و دو کوهانه و خاکستری رنگ و یک کوهانه در نواحی هموار، پرداخته و به سرعت بالای آنها اشاره کرده است. اسب دیگر حیوانی است که در نوشته سامی بدان توجه شده و در دو گروه اسب های زیبا در مناطق شمال غربی، و اسب های کوچک و کم قدرت در شرق و جنوب مورد اعتنا قرار گرفته است. حیوانات وحشی بلوچستان نظیر شیر، ببر، پلنگ، کفتار، گرگ، روباه، گور خر وحشی، بز کوهی، شغال، گربه وحشی، سگ وحشی، میمون، قره قوش، شاهین و طوطی از جمله حیواناتی هستند که در قاموس الاعلام از آنها نام برده شده است (همان). زیست جانوری با تمام تفصیلی که در قاموس الاعلام از آن سخن رفته، در مقاله دیا کاملاً مغفول مانده و تقریباً هیچ اشاره ای بدان نشده است.

معادن یکی از مباحثی است که در منابع جغرافیایی تاریخ اسلام همواره مطرح نظر بوده و سامی به سبب بهره گیری از منابع جغرافیایی کهن و گزارش های سیاحان معاصر خود، مطالبی را در اثرش گنجانده است. او گرچه به نبود اطلاعات خاصی در خصوص معادن اشاره کرده، اما افزوده است که در سوی شمال شرقی و نزدیکی کلات، طلا، نقره، مس، آهن، آنتیمون، گوگرد و معادن دیگر به چشم می خورد که از تحقیقات برخی از سیاحان به دست آمده است. سامی اطلاعات اندک در خصوص معادن را با تأکید بر اینکه تاکنون چندان قابل استخراج نبوده، همراه کرده است. آهک نیز جزو معادنی بوده که سامی از آن به عنوان، عامل اختلال در رشد گیاهان و آب های جاری سخن رانده است (همان). در کنار مواردی که سامی برای اشکال منابع درآمد و گذران روزگار مردمان بلوچستان ذکر کرده، احمد رفعت افندی راه کسب درآمد متمایزی را برای این مردمان گزارش کرده است. او به مهاجرت غالب مردمان این سرزمین برای نظامی گری در مناطق و حکومت های همجوار اشاره کرده است (رفعت افندی، ۱۳۷۲: ۱۲۹۹).

در مناطق و حکومت های همجوار اشاره کرده است (رفعت افندی، ۱۳۷۲: ۱۲۹۹). در مقاله دیا بلوچستان از حیث منابع معدنی، منطقه ای ثروتمند خطاب شده و این منابع با تفاوت هایی مورد توجه قرار گرفته و علاوه بر آهن و مس که سامی نیز بدانها اشاره کرده بود، از زغال سنگ و ذخایر گاز

طبیعی سخن رفته است (Qureshi, 1992, vol 5, p 427). قرشی آورده است که با وجود معادن و صنعت نسبتاً توسعه یافته در بلوچستان، غالب محل درآمد مردمان آنجا، کشاورزی است. او در توصیف کشاورزی بلوچستان به اراضی آن پرداخته و تنها ۱۳۸۸۷ کیلومتر مربع از ۳۴۷۱۹۰ کیلومتر مربع اراضی بلوچستان را قابل بهره برداری دانسته که حدود ۶۵ درصد جمعیت بلوچستان را به سوی خود کشیده است. در مقاله دیا با وجود اینکه کشاورزی بلوچستان، وابسته به بارندگی و سنتی خوانده شده که غالباً به وسیله چاه و یا قنات آبیاری می شوند، اما آورده شده است که این سرزمین از حیث برداشت غلات بر هکتار، در صدر پاکستان است و محصولات دیگری نظیر سیب زمینی، پیاز، خربزه و هندوانه نیز با کیفیت بالا تولید می شوند (Ibid). بخش متمایزی که در دیا آورده شده و در قاموس الاعلام جایگاهی نداشته، توجه به صنایع است. قرشی با اشاره به بافت روستایی بلوچستان و اشتغال ۸۰ درصدی مردم به دامپروری در کنار کشاورزی، به صنایع در حال گسترش بلوچستان نیز اشاره کرده و از تأسیسات کشتی سازی گدانی^۱ سخن به میان آورده که از حیث وسعت، جایگاه سوم جهان را به خود اختصاص داده است (Ibid).

قرشی در پایان مقاله به استعداد منطقه در درآمدزایی توجه کرده و اماکن تفریحی و گردشگری بلوچستان نظیر دریاچه‌ها^۲ و گذرگاه‌های تاریخی بولان^۳ و خوجاک را به سبب اشتها جهانی به عنوان نمونه یادآور شده است (Ibid). یکی از عناصر موثر در اقتصاد هر منطقه‌ای صنعت حمل و نقل است که در مقاله دیا به ناکافی بودن و ضعیف بودن آن در بلوچستان پرداخته شده و تنها کویت^۴ مرکز این ایالت، به سبب دارا بودن فرودگاه و راه آهن و اتصال به دیگر شهرهای مهم در این زمینه توسعه یافته خوانده شده است (Ibid). همین موضوع در خصوص بلوچستان ایران نیز ضبط شده و حمل و نقل در این ناحیه به سبب دارای بودن کوه‌های آتشفشانی و سطحی سخت و خشن، دشوار توصیف شده است (Ibid, p 428).

۴. اقوام و فرهنگ

سامی جمعیت بلوچستان را پیش از سال ۱۳۱۶ق، حدود ۲۷۰۰۰۰۰ برآورد کرده است که قس افندم اعظم آنها بلوچ بودند (سامی، ۱۳۰۶ق: ۱۳۵۱/۲). احمد رفعت افندی در این دوره، جمعیت بلوچستان را حدود سیصد و پنجاه هزار نفر برآورد کرده که در مساحتی حدود دویست و هفتاد و شش هزار و پانصد کیلومتر زندگی می کنند (رفعت افندی، ۱۲۹۹ق: ۱۳۷/۲). در مقاله دیا، بلوچستان با وجود اینکه بزرگترین ایالت پاکستان خوانده شده، اما آورده شده است که از حیث جمعیت (بر اساس سرشماری سال ۱۹۸۱م حدود

۱. در ناحیه لسبیله در جنوب شرقی ایالات بلوچستان.

۲. به اردو «هنه جهیل» در نزدیکی کویت.

۳. دره با امتداد حدود ۹۰ کیلومتر از دهادر در جنوب تا دروازه در نزدیکی کولپور در شمال.

4. Quetta.

۴۳۳۲۳۷۶ نفر) با دوازده نفر در هر کیلومتر مربع، کمترین تراکم جمعیت را داراست. در نگاشته قرشی، علت سکونت ۲۵ درصدی مردم در شهرها - که رقم پایینی است - به شرایط سخت اقتصادی و سطح پایین درآمد، نسبت داده شده و به پراکندگی جمعیت عظیم باقی مانده در روستاها و قصبات با مسافت های زیاد در شرایط سخت ایالات اشاره شده است. نیز در دیا، بخشی از این جمعیت، کوچرو و کوچ نشین خوانده شده اند (Qureshi, 1992, vol 5, p 427). توصیف موقعیت جغرافیایی بلوچستان ایران نیز با گزارش مساحت این منطقه (۱۷۳۴۶۱ کیلومتر مربع مساحت) و جمعیت بلوچستان (۸۸۰۰۰۰ نفر) آورده شده است (Ibid). این مطلب در ادامه با گزارش اینکه امروزه در استان سیستان و بلوچستان با ۱۸۱۵۷۸ کیلومتر مربع و ۱۲۰۵۹۸۰ نفر جمعیت (۱۹۸۶م) از استان های بزرگ ایران شمرده می شود، تکمیل شده است (Ibid). در گزارش سامی آورده شده است که در آثار جغرافیایی عرب، نام «بلوص» به قوم جسور و شجاع ساکن در نواحی میان فارس تا کرمان اطلاق شده که دانسته می شود اینان همان قوم بلوچ هستند و پس از حمله مغولان با مهاجرت این قوم به نواحی شرقی و مکران و کلات، به این نواحی بلوچستان گفته شد (سامی، ۱۳۰۶ق: ۱۳۵۱/۲). در کتاب لغات تاریخی و جغرافیه، نیز توصیف مشابهی از بلوچ ها به چشم می خورد و جسارت و شجاعت آنان با وجود زندگی در فقر اشاره شده است (رفعت افندی، ۱۲۹۹ق: ۱۳۷/۲).

سامی در برشمردن اقوام بلوچستان به چهار قومیت دیگر در این منطقه شامل براهوی، نومری، دهوار و گُرد اشاره کرده و آورده است که زبان بلوچ ها به رغم ادعای مهاجرت آنان از جزیره العرب پس از ظهور اسلام، همانند زبان پختی افغانستان از زبان فارسی منشعب شده است (سامی، ۱۳۰۶ق: ۱۳۵۱/۲). در مقاله دیا نیز به زبان های بلوچی، براهوی، پشتو و اردو، به عنوان زبان های رایج بلوچستان اشاره شده و با توصیف جماعات پشتو، هزاره، پنجابی و سندی که حدود ۴۰۰ قبیله و عشیره را تشکیل می دهند، اطلاعات تکمیل شده است (Qureshi, 1992, vol 5, p 427).

در میان داده های شمس الدین سامی اطلاعات جالب توجهی در خصوص سیمای مردمان بلوچستان مشاهده می شود. در توصیف او آورده شده است که اهالی مناطق جنوب و شرق، گندم گون و اهالی مناطق غرب و شمال، سفید پوست، و در میان آنان افراد موطلایی (زردموی) و چشم آبی نیز به چشم می خورد (سامی، ۱۳۰۶ق: ۱۳۵۱/۲). در اثر سامی سیمای قوم براهوی به مغولان مشابه دانسته شده و زبان شان مشابه زبان مردمان جنوب هند و مشابه با زبان زنگیان خوانده شده است. سامی سپس نتیجه گیری کرده است که اینان به همراه اقوام زنگی با آریاییان کهن در آمیخته با مغولان، اختلاط یافته اند و در مناطق بلوچستان نزدیک به هند نظیر جالوان و سهروان سکنا یافته اند؛ آنگاه گروه ها بزرگ اینان با بلوچ ها در آمیخته و چهره آنان اصلاح شده و امروزه قوم حاکم در کلات این قومیت هستند (همان). سامی در خصوص ساکنان مناطق جنوبی آورده است که در خصوص تعلقشان به آریاییان، تردیدی وجود ندارد، با وجود این، در دوره فتوح اسلامی از جزیره العرب بدانجا کوچیده اند و با اهالی قدیم این منطقه در آمیخته اند (همان).

تعلق به آریاییان در مقاله دیانیز به چشم می‌خورد. در مقاله دیا با این مقدمه که بلوچستان از فرهنگی، غنی و تاریخی، پر از منازعه برخوردار است، به نام کهن منطقه در کتیبه‌های خطی پارسی بیستون^۱ و تخت جمشید اشاره شده که به صورت مکه^۲ بوده و در تاریخ هرودوت، به شکل مکیا^۳ آورده شده است. قرشی بر اساس این منابع نتیجه‌گیری کرده است که سکنه نخست این ناحیه مکه‌ها بودند که ریشه آریایی-هندی داشتند (Qureshi, 1992, vol 5, p 427). او افزوده است که قبایل متعدد بلوچی-پشتو غالباً به قومیت‌های هندی-آریایی منسوبند و با اینکه پس از فتوح اسلامی تاکنون، به اسلام گرویده‌اند، اما تا قرن یازدهم میلادی در این منطقه به طور کامل مستقر و ساکن نبودند. گروه‌هایی از بلوچ‌ها نظیر رندها و لاشاری‌ها که در قرن سیزدهم میلادی در نواحی پنجاب و سند اسکان یافته بودند، در قرن پانزدهم میلادی در بلوچستان مرکزی پراکنده شدند (Ibid).

قوم نومری دیگر قومی است در قاموس الاعلام بدان پرداخته شده است. در گفته سامی، این قوم در خطه لاس در ساحل شرقی ساکن بوده و از جمله قوم «جات» هندوستان شمرده می‌شوند که به زبان آنان تکلم می‌کنند. قوم دیگر مذکور در قاموس الاعلام، دھوارها هستند که سامی آنان را همانند تاجیکان افغانستان و بخارا، ایرانی اصیل دانسته و زبانشان را فارسی خوانده است (سامی، ۱۳۰۶: ۲/۱۳۵۲). سامی با متفاوت انگاشتن این قوم آورده است که با وجود اینکه غالب اقوام بلوچستان عشایر هستند و به شکل کوچرو زندگی می‌کنند، اینان یکجانشین بوده و به زراعت و تجارت اشتغال یافته‌اند و شاید به همین دلیل آنان را دھوار خوانده‌اند (همان). دیگر قومی که به شکل گذرا به آنان اشاره شده، کردها هستند که در نوشته سامی در سوی غربی و در کوه‌های بین کرمان و مکران زندگی می‌کردند (همان).

سامی در خصوص مذهب این اقوام، همه را سنی مذهب خوانده و به همین اندازه بسنده کرده است (همان)؛ اما در مقاله دیا، هیچ سخنی از مذهب منطقه به میان نیامده است. پوشش این اقوام نیز مورد توجه سامی بوده و لباس اینان را متشکل از یک پیراهن و شلوار خوانده که بر سرشان کلاه می‌گذاشتند و برخی بر روی آن عمامه بسته و به کمرشان نیز کمر بند رنگین می‌بستند. سامی در میان پوشش‌های کوهستان‌نشینان به عبا‌هایی بافته از پشم گوسفند و بز اشاره کرده و پوشش زنان را نیز پیراهن بلند نخی آراسته گزارش کرده که هنگام خروج از منزل بر صورتشان پوششی قرار می‌دهند (همان). در مقاله دیا بیش از آن که به پوشش توجه شود، به برخی از آداب و رسوم نظیر ترانه‌ها و نواهای عامیانه و رقص‌های محلی متنوع اشاره شده و نیز صنایع دستی و وجود مراکزی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی توجه شده است (Qureshi, 1992, vol 5, p 427). دیا در تداوم مباحث فرهنگی، با اشاره به افزایش سطح سواد مردم بلوچستان از سطح بسیار پایین به

۱. در مقاله به شکل «behistun» آورده شده است.

۲. در مقاله به اشتباه، ماکا (maka) آورده شده است. مکه به احتمال فراوان، مکران امروزی است.

3. mekia/ mykia

۱۰. ۳ درصد (Ibid)، آورده است که در سال ۱۹۷۰م با ایجاد دانشگاه بلوچستان در کویت، در شهر آکادمی بلوچی، ادبیات دیوانی براهوی و آکادمی پشتو نیز ایجاد شد (Ibid). در مقاله دیا در اشاره به افزایش سطح فرهنگی مردم این ناحیه، به موضوعات رسانه‌ای نظیر اصلاح شبکه تلفن و ایجاد ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون در این ایالت پرداخته شده است (Ibid).

۵. تقسیمات اداری

در مدخل بلوچستان قاموس الاعلام، بخشی برای تقسیمات سیاسی، شهرها و قصبات اختصاص داده شده است. در این اثر، کلات به عنوان مرکز بلوچستان مقارن اواخر عثمانی در شمال شرقی معرفی شده و سایر مناطق بلوچستان، تحت فرمان خان کلات خوانده شده‌اند، که البته غالباً به شکل مستقل اداره می‌شدند. در این اثر آورده شده است که به سبب اینکه اکثر اهالی آنجا چادر نشین و کوچرو هستند، یافتن شهر و قصبه در آنجا به سادگی ممکن نیست و در این خصوص اطلاعات اندکی در دسترس است. داده‌های این مقاله را می‌توان این چنین خلاصه کرد: «در سوی شرقی بلوچستان، خطه‌های کلات، کنداوه، سهروان، جالوان، لاس، جاو، کلو، مشکی، کهران و نوشکی و در سوی غربی نیز نام مکران که معروف‌تر است به چشم می‌خورد». سامی سپس افزوده است که در اواخر دوره عثمانی، بخش غربی مکران در دست ایران قرار دارد و بخش شمالی آن «کوهستان» نامیده می‌شود و مرکز مکران، قصبه «کج» در کنار رود دشتی است و مناطق دیگر از روستاهای کوچک و کاروانسراها تشکیل شده است (سامی، ۱۳۰۶ق، ج ۲، ص ۱۳۵۲). سامی مدخل مجزایی به مکران اختصاص داده و در این مقاله به این مقدار که نیمی از مکران در ایران و نیمی در بلوچستان قرار دارد، بسنده کرده است (سامی، ۱۳۰۶ق: ۲/۱۳۵۰).

سواحل بلوچستان در اثر سامی چندان مورد توجه نبوده‌اند؛ آنچنان که بنا بر داده‌های آن، در سواحل آن روستاهایی وجود داشتند، اما هیچ بندرگاه زیبا و شهری تجاری وجود نداشت و سونمیانی، اورماره و کوادل سه اسکله کوچک این سواحل در آن دوره بودند (همان). احمد رفعت‌افندی نیز با بیان بسیار خلاصه، بلوچستان مقارن اواخر عثمانی را متشکل از شش بخش ساراوان، جلالوان، قاجکندوا، لوس، مکران و کوهستان دانسته است. او در این خصوص افزوده است که مرکز اداری بلوچستان، شهر دوازده هزار نفری کلات است. او در ادامه به استقلال بلوچستان در سال‌های ۱۷۵۸م/۱۱۷۲ق اشاره کرده است (رفعت‌افندی، ۱۲۹۹ق: ۲/۱۳۷).

در مقاله دیا، از چگونگی اداره بلوچستان، اطلاعات قابل توجهی به چشم نمی‌خورد؛ تنها در پایان بخش بلوچستان پاکستان به اداره ناحیه تا سال ۱۹۴۷م توسط روسای قبایل که «سردار» خوانده می‌شدند، اشاره شده است. بر اساس داده‌های موجود در این مقاله، مشخص شده است که در سال ۱۹۵۲م اتحادیه

دولت‌های بلوچستان ایجاد شد و بعدها در سال ۱۹۶۹م این ناحیه به شکل یک ایالت کامل پاکستان درآمد و امروزه، بلوچستان با تقسیمات اداری شامل کوئته سببی، کلات، مکران، خضدار، پشین و نصیرآباد یکی از مهمترین ایالات پاکستان شمرده می‌شود (Qureshi, 1992, vol 5, p 427). در قاموس الاعلام گرچه به اتحادیه اداره‌کننده بلوچستان اشاره نشده، اما در همین دوره (اواخر قرن سیزدهم هجری قمری) احمد رفعت‌افندی حاکمیت بلوچستان را به شکل نیمه‌مستقل و توسط هیئت متفق بلوچ‌ها توصیف کرده که تحت نظارت و حمایت انگلستان قرار داشتند (رفعت‌افندی، ۱۲۹۹ق: ۱۳۷/۲). در بخش ایران مقاله دیانیز در خصوص تقسیمات اداری و شهرهای منطقه تنها این اندازه اطلاعات به دست می‌آید که بلوچستان ایران بخشی از استان سیستان و بلوچستان و شهرهای مهم آن سراوان، بمپور، ایرانشهر و مکران است (Qureshi, 1992, vol 5, p 428).

۶. وضع تاریخی

تاریخ بلوچستان در دایره‌المعارف‌های منتخب، بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. بر اساس اثر سامی می‌توان تاریخ وقایع مربوط به بلوچستان را این گونه بیان کرد: بخش بلوچستان در دوران کهن از سوی یونانیان با نام جدروسیا شناخته شده بود و از خطه‌های ایران شمرده می‌شد. اسکندر هنگام بازگشت از هند از این منطقه عبور کرد و لشکریانش تشنگی و گرمای جان‌فرسایی را متحمل شدند و در شاهنامه فردوسی، از آن با نام زابلستان یاد شده است. کلات نیز همانند کابل از ممالک ممتاز تابع ایران شمرده می‌شود. در اوایل دوره اسلامی قسم غربی بلوچستان -که مکران نامیده می‌شود- از آن ایران و قسم شرقی آن از آن هندوستان شمرده می‌شد. در زمان عباسیان، سلسله «سهرابی» که از هند به کلات آمده و مدت زیادی حکمرانی کرده بودند، جای خود را به سلسله «سواء» دادند. اینان، مجبور به استمداد از قبایل براهوی ساکن در کوه‌ها شدند و قنبر رئیس قبیله «مرواری» از قبایل براهوی، کلات را تصرف کرد و اعقاب او مدتی بر آنجا حکم راندند و سپس در قرن هجدهم هجری اکبرشاه، بلوچستان را ضمیمه قلمرو خود کرد. پس از او نادرشاه آنجا را به چنگ آورد و حکومت کلات، به اعقاب قنبر برگردانده شد. امروزه (اواخر دوره عثمانی) این خاندان بر آنجا مستولی هستند. نصیرخان از جمله این خاندان در صد سال نخست، روسای مکران را تحت انقیاد آورد و دولت بلوچستان را تشکیل داد. پس از مرگ او، هر یک روسا بار دیگر استقلال خود را به دست آوردند و تنها حکومت ظاهری خان کلات بر بلوچستان باقی ماند (سامی، ۱۳۰۶ق: ۲/۱۳۵۲). این چنین سامی، علاوه بر اطلاعات کلی در خصوص منطقه، داده‌های قابل ملاحظه‌ای را در خصوص کلات و وقایع تاریخی آن ارائه کرده و شهر کلات به سبب مرکزیت آن در آن دوران، بیش از هر شهر دیگری مورد توجه مولف قاموس بوده است.

در مقاله دیابخش نخست اطلاعات به یکدیگر تشابه دارد. قرشی اینچنین به تاریخ بلوچستان پرداخته است: «در منابع متقدم بلوچستان با نام جدروسیا gedrosia به مرور زمان بخشی از هخامنشیان، سپس

حکومت سلوکیان، سپس حکومت باکتریانا (اشکانیان) و ساسانیان شد. در قرن هفتم میلادی، کرمان در حوالی بلوچستان در زمان خلیفه دوم، مکران در زمان معاویه به دست مسلمانان افتاد. این ناحیه پس از این به مرور زمان بخشی از قلمرو غزنویان، غوریان، ایلخانان، صفویان و افغان‌ها بود (Qureshi, 1992, vol 5, p 427).

در قرن شانزدهم میلادی میر چاگرخان، ناحیه رند را تماماً تحت حاکمیت بلوچ‌ها درآورد. در میان سده‌های شانزدهم تا هجدهم میلادی بلوچ‌ها توانستند در دو منطقه کلات و سند، دو دولت مستقل ایجاد کنند. از میان اینان، نصیرخان بلوچ، خان کلات (۱۷۵۰-۱۷۹۵م) با اعلان تبعیت از شاهان درانی افغانستان، تمام سرزمین بلوچستان را متحد و یکپارچه ساخت. در سال ۱۸۳۴م بلوچستان تحت اداره انگلیسی‌ها درآمد و تا تاریخ ظهور پاکستان در ۱۹۴۷م در آن وضع باقی ماند. پس از اعلان استقلال پاکستان، بلوچستان از حیث اقتصادی و دیگر زمینه‌ها، عقب‌مانده‌ترین ناحیه کل شبه قاره هند بود (Ibid). در خصوص تاریخ بلوچستان ایران به شکل بسیار خلاصه به دوره قاجار توجه و آورده شده است که بلوچستان ایران در زمان قاجار از حاکمیت خان کلات بیرون آمد و در سال ۱۸۷۲م میان این دولت و بلوچستان مرزبندی به وجود آمد. در ادامه به ایجاد اختلاف مرزی دو بلوچستان و تداوم طولانی مدت آن پرداخته شده که سرانجام در ژانویه سال ۱۹۵۵م با معاهده امضا شده میان ایران و پاکستان، به این اختلافات پایان داده شد (Ibid, p 428).

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش انجام شده، مشخص شد که اطلاعات موجود در دو دایره‌المعارف ترکی به‌رغم وحدت موضوع و عنوان، از حیث داده‌های مطروحه در آن، تفاوت‌های گسترده‌ای را داشته‌اند. در بخش مربوط به محدوده جغرافیایی، قاموس‌الاعلام بدون مشخص کردن بخش ایرانی و غیر ایرانی، به برشمردن برخی از نواحی و شهرها پرداخته که نام و یا موقعیت کنونی برخی از آنها چندان دانسته نیست، اما در مقاله دیا، ضمن تقسیم‌بندی به دو بخش ایرانی و پاکستانی به محدوده بلوچستان توجه شده است. در بخش پدیده‌های طبیعی و ناهمواری‌ها، تقسیم‌بندی مشابه دشت، کوهستان و سواحل در هر دو دایره‌المعارف به چشم می‌خورد؛ با وجود این، توصیف قاموس‌الاعلام با تفصیل همراه بود، اما در ارائه آمار و داده‌های کمی، مقاله دیا بر این اثر برتری دارد. روده‌ها در گزارش سامی جایگاهی به خود اختصاص داده‌اند و نام روده‌های متعددی در بلوچستان ذکر شده، اما در مقاله دیا، به جز در بخش ایرانی، نام هیچ رودی آورده نشده است. از حیث اقلیمی و اقتصادی بلوچستان، سامی و دیا هر دو توصیف مشابهی از آب و هوا ارائه داده‌اند و در بخش معیشت، در هر دو به تأثیرگذاری کشاورزی و دامداری در زندگی مردم اشاره شده، اما از حیث نوع محصولات و حیوانات گزارش‌ها تفاوت بسیار دارند؛ مضافاً آن که در گزارش سامی، زیست جانوری و انواع حیوانات اهلی و وحشی مورد توجه بوده و از تجارت چوب نیز سخن به میان آمده، در حالی که در

مقاله دیا هیچ داده مشابهی به چشم نمی خورد. در بخش معادن، دیا از وجود معادن آهن، مس و منابع گاز طبیعی سخن رانده؛ در حالی که سامی مجموعه‌ای از معادن را با اطلاعات توأم با ابهام و احتمال آورده است.

پرداختن به اقوام و ریشه‌های نژادی از موضوعات مشترک دو دایره‌المعارف بوده که از حیث داده، تفاوت بسیار دارند. در این میان، سامی با طرح اطلاعات مربوط به پوشش و سیمای مردمان، اطلاعات قابل ملاحظه‌ای را ارائه داده که در دیا کاملاً مغفول مانده است، اما مباحث مربوط به سوادآموزی و مؤسسات آموزش و فرهنگی، امتیاز دیا بر قاموس الاعلام است. در خصوص تقسیمات اداری به سبب شرایط زمانی، تقسیمات ایالتی، شهرها و قصبات کاملاً متفاوت آورده شده و اسامی اماکن دو منبع تقریباً تفاوت اساسی دارند. این تفاوت‌ها در خصوص وضع تاریخی نیز به چشم می خورد و به رغم تاریخ مشترک منطقه، اطلاعات با تفاوت چشمگیر آورده شده است. به طور کلی، دو منبع که با مدخل مشخص به بلوچستان توجه داشته‌اند، در ارائه داده‌ها با تفاوت چشمگیر دست به تحریر زده‌اند؛ چندان که گویی این دو اثر، دو منطقه مجزا را توصیف کرده‌اند. با گذر از قاموس الاعلام که بسته به شرایط دوره و امکانات آن عصر به دایره‌المعارف نویسی دست زده، مقاله دیا به رغم نگارش آن به دست یک متخصص پاکستانی، بسیار ضعیف و نارسا است و هرگز با مقالات همسان نظیر مقاله ایرانی‌کا قابل مقایسه نیست.

منابع و مأخذ

رفعت افندی، احمد (۱۲۹۹ق)، لغات تاریخیه و جغرافیه، استانبول: محمودبیک مطبعه‌سی.
 رودگر، قنبرعلی (۱۳۹۱)، "دانشنامه‌نگاری"، در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: انتشارات بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
 سامی، شمس‌الدین (۱۳۰۶)، قاموس الاعلام، استانبول: مهران مطبعه‌سی.

Babinger, Franz, (1992) , Osmanlı Tarih Yazarları ve Eserleri, tr Coşkun Üçok, Ankara: Kültür Bakanlığı Yayınları.
 Levend, Agah Sırrı, (1969) , Şemsettin Sami, Ankara: Ankara Üniversitesi basımevi.
 Levend, Agah Sirri, (1973) , Türk edebiyatı tarihi, Ankara: Turk Tarih Kurumu.
 Qureshi, M. Naeem, (1992) , "Belucistan", in Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA) , İstanbul: TDV Yayınları, vol 5, pp 427- 428.
 Şeşen, Ramazan, (1998) , Müslümanlarda Tarih-Coğrafya Yazıcılığı, İstanbul: İSAR.
[www. islamansiklopedisi. info/](http://www.islamansiklopedisi.info/)

همایش ملی مکران شناسی National Conference of the Makoranology

حامیان همایش:

